



۲۰۱۹/۰۶/۰۷



عبدالقیوم میرزاده

سخنی در باب فتنه یا بغاوت



فتنه یا بغاوت در دفتر "آند راج" به نام طغیان، حمله کردن و یورش بردن ثبت گردیده است که در انگلیسی آنرا Sedition یا Insurgency می نامند عبارت از یک عمل فراقانونی به منظور تضعیف و نابودی نظم عمومی جامعه از جانب عده فتنه انگیز، بغاوت گر در جوامع راه اندازی میگردد. فرق آن با شورش های مردمی این است که شورش مردمی در پرتو قانون به اقدامات مدنی دست زده و راه های برون رفت را برای ثبات سیاسی و اجتماعی در نظر میداشته باشد. گرچه در تاریخ جوامع بشری نمونه های فراوان از شورش های مردمی هم وجود دارد که از کنترل شورش گران خارج شده و به جنگ های بزرگ خانمانسوز داخلی و قومی مبدل گشته است که عواقب زیانباری را برای عده ای از این کشورها به بار آورده است. نمونه عراق، انگولا و سومالی بدترین نمونه هایی از این نوع شورش ها به شمار می آید.

در کشور آسیب پذیر و شکنندی چون افغانستان که همسایگان تماع اش چون پاکستان، ایران رو سیه و چین سرمایه گذاری هایی بزرگ استخباراتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را در جریان چهل سال بی ثباتی اخیر و نبود یک حکومت مرکزی مقتدر، نبود تعریف های مشخص از منافع ملی کرده اند هر نوع فتنه، بغاوت و یا شورش برابر است با فروپاشی کامل این سازمان یا اداره شکنند که خارجیان شامل قوت های ناتو و ایالات متحده آمریکا و همسایگان به همین منظور یعنی فروپاشی آن در هر زمانی که خودشان خواسته باشند آنرا چنین بی ثبات و شکننده نگه داشته اند. این تجاوزگران از همان ابتدا هم حکومت را بنا بر نبود کادر ملی اندیش در اداره و رهبری کشور به طریقه های استعماری در گرو سیاسی و اقتصادی خویش محکم گرفتند و هم طالبان، نیروهای باغی چون شورای نظار، جمعیت اسلامی، جنبش ملی اسلامی شمال، دزدان و قاچاقبران مواد مخدر و معادن کشور که همه در گذشته قوماندانان محلی تنظیم های جهادی بودند و منافع شان را جنگ و ادامه بحران تأمین می کرد را وسیعاً مسلح ساخته و حتی در داخل شهر ها زیر نام مؤسسات امنیتی تحت اداره همان باغی های تنظیمی ده ها هزار سلاح های ثقیل و خفیف را در میان مردم توزیع کردند و به این ترتیب یک حکومت ملوک الطوائفی را در کشور تحت رهبری حامد کرزی این شخصیت سازشگر تاریخ کشور ما زیر اداره خودشان قرار دادند. بعد از انتخابات سال ۲۰۱۴ که انکشاف اوضاع به میل طراح این سیاستگران استعماری یعنی ایالات متحده آمریکا صورت نگرفت این فتنه و بغاوت را به کمک همین

جاسوسان بیگانه، دکانداران دین، دزدان، قاچاقبران، مافیای زمین، مواد مخدر، معادن کشور و مفسدین درون اداره حکومت تا دیوار های ارگ ریاست جمهوری به حیث وسیله فشار مضاعف بالای حکومت تازه به میان آمده از انتخابات، رسانیدند. تا اینکه حکومت امریکا بدون در نظر داشت اصل احترام به عدم مداخله در امور یکدیگر و حقوق بین الدول به وسیله "جان کری" وزیر خارجه اش حکومت (وحدت ملی) که در حقیقت حکومت افتراق ملی بود بر شانه های خمیده ای ملت نا آگاه و نادان ما که کمترین فهمی و یا هم هیچ فهمی از منافع ملی خویش و تطبیق قانون ندارند و به کرات با هر دزدی دهن جوال را گرفته اند تحمیل کرد.

به این ترتیب نیروی ائتلافی حکومت به نام شورای اجرائیه که از همان غاصبین زمین، دزدان و قاچاقبران نمایندگی می کرد در این چهار سال به صورت فراقانونی چون خار چشمی جلو تحولات بنیادی را گرفته و به گونه های مختلف از اقدامات و اجراءات انکشافی، حکومت سازی، تحکیم حاکمیت قانون و تقرر کادر های متخصص ملی در بخش های تخصصی جلوگیری بعمل آوردند. در طول این مدت چهار سال هیچگاهی نه اعتراضی، نه تفسیری و نه توجیهی به این عمل غیر قانونی "جان کری" ارائه نکردند. این عناصر مفسد ائتلافی و رابطه های شان در گوشه و کنار کشور خصوصاً در پایتخت در همکاری با سازمان های استخبارات خارجی مخصوصاً سازمان استخبارات نظامی پاکستان ISI برای تحت فشار قرار دادن متداوم حکومت سلسله انفجارات و عملیات انتحاری را که هر بار فی البدیعه مسئولیتش را طالبان و یا داعشیان به عهده میگرفت تا عناصر درونی دستگاه ائتلافی از گزند در امان بمانند. موجودیت و تأثیر گذاری این عناصر متشکله ائتلاف در تمام حرکت های مخالف منافع ملی و بی ثبات ساز از همان آغاز حکومت ساخت "جان کری" مشهود بود آنها به هر بهانه ای جلو ساختار های قدرت را در راه اتکا به خود یا متکی به خود شدن را گرفتند و در برابر تصامیم حکومت تا سرحد فتنه گری ها و بغاوت های مسلحانه و انسداد شاهراه ها به وسیله افراد نادان آغابی گوی شان انجام دادند.

در این راستا سازمان استخبارات پاکستان و ایالات متحده امریکا متحدانه این عناصر بغاوت گر را همزمان با طالبان حمایت تسلیحاتی، مالی، اندیشوی و لوژستیکی کردند و به وسیله مانور های تبلیغاتی گاهگاهی پایه های لرزان حکومت را لرزان تر ساختند.

با فشار مضاعف ذو جوانب تحت عنوان مضحکه مذاکرات صلح نگذاشتند انتخابات ریاست جمهوری در زمان معین صورت گیرد. امریکا در همکاری با پاکستان و عناصر مفسد درونی اعضای شورای نظار، دین فروشان جمعیت اسلامی، قاچاقبران و دزدان، غاصبین زمین و مفسدین درون اداره کشور در جریان مذاکرات با طالبان و تفاهم با آنها چندین بار طرح حکومت مؤقت، حکومت سرپرست و حکومت وسیع را عنوان کردند که هر بار از جانب حکومت افغانستان به همکاری حکومت کشور هایی که طرفدار ثبات اوضاع در کشور ما برای تجارت و روابط با ثبات نیک هستند این دسایس را ناکام ساخته و گوشه ای از این توطئه ها را بر ملا ساختند.

امریکا، پاکستان و عناصر خود فروخته ضد ملی در محاسبات شان دقیقاً عدم مشروعیت حکومت را بعد از اختتام دوران معینه ریاست جمهوری که قانون اساسی کشور آنرا اول جوزا تعیین کرده است در نظر داشتند که امریکا زیر فشار نظامی و دیپلماتیک و به بهانه مذاکرات صلح با طالبان حکومت را مجبور به تعویق زمان انتخابات ابتدا به تاریخ ۲۰ جولای ۲۰۱۹ و بعداً به ۲۸ سپمبر ۲۰۱۹ به تعویق میگرداند و مفسدین، بغاوتگران در کمین نشسته بنا بر عدم درک کار شناسانه ایشان از احکام قانون چنین محاسبه کرده بودند که بعد از اول جوزا به نام اینکه حکومت

مشروعیت ندارد فتنه و بغاوت را راه ایجاد می کنند. آنها همچنان شورای کاندیدان ریاست جمهوری را نیز در این راستا برای این امر فتنه گرانه ضد ملی فعال ساختند.

حکومت با در نظر داشت احکام قانون که چنین صراحت دارد:

در فقره دوم ماده ۶۱ قانون اساسی آمده است:

« وظیفه رئیس جمهور در اول جوزای سال پنجم بعد از انتخابات پایان میابد.» که ختم وظیفه رئیس جمهور با انتخابات مشروط بوده و هرگز به شکل انتزاعی خلای قانونی نمی باشد و هر دو مسئله ذکر شده هم دوره کار رئیس جمهور و هم تدویر انتخابات به یک اندازه از اهمیت قانونی برخوردار اند.

در فقره سوم ماده ۶۱ قانون اساسی موعده تدویر انتخابات ۳۰ تا ۶۰ روز قبل از ختم دوره کار رئیس جمهور صراحت دارد که بدون تأخیر باید اجراء می شد اما همانطوری که در بالا ذکر کردم زیر فشار مضاعف خاصناً مسایل بودجوی و مالی حکومت را نگذاشتند در وقت معینه انتخابات ریاست جمهوری را برگزار کند و به این ترتیب در شرایطی که هنوز نتایج انتخابات پارلمانی هویدا نبوده و پارلمان کشور تعطیل بود ستره محکمه منحیث عالیترین ارگان قضایی کشور که بعد از پارلمان تفسیر قوانین شامل وظایف داخلی آن میباشد بر اساس حکمی مدت کار رئیس جمهور را تا بر گزاری انتخابات تمدید کرد که حکومت با سیلی از فتنه گری ها و فعالیت های بغاوت گرانه این عناصر فتنه انگیز مواجه گردید.

با دقت به این روند نگاه کنید!

در جریان چهار سال اخیر این عناصر سبوتازگر در برابر همه اقدامات حکومت برای یک انتخابات شفاف و تعیین کمیسیون های انتخاباتی و کمیسیون شکایات انتخاباتی همه انواع سنگ اندازی تا سرحد تظاهرات سراسری جلو کار کمیسیون های انتخاباتی را گرفتند ولی یکبار هم نگفتند که حکومت افتراق ملی قانونی نیست و عناصر شامل ساختار فراقانونی بایست به خاطر منافع ملی استعفی می دادند تا روند قانون در کشور صدمه نمی دید. در زمانیکه قرار بر تدویر بموقع انتخابات در ماه اپریل سال ۲۰۱۹ گرفته شد همین فتنه انگیزان به کمک زلمی خلیل زاد سر و صدا براه انداختند که حالا وضعیت در جهت صلح با طالبان در انکشاف است رئیس جمهور میخواهد همه امور را به نفع خود سازمان داده و از انتخابات بهره برداری سوء می کند. وقتا که انتخابات را رئیس جمهور طی فرمانی به تعویق انداخت هیچکدام از این فتنه انگیزان طرح نکردند که با تعویق انتخابات مسئله ادامه کار رئیس جمهور چه خواهد شد؟ در آنزمان همه در این بابت سکوت کردند و نه نگاهی به قانون انداختند و تفسیری از قانون انجام دادند. یعنی اینکه جریان بر اقتضای اهداف شان سیر داشت و منتظر موعود پلان شده شان بود. این نا بکاران فتنه گر که اکنون مشروعیت رئیس جمهور را زیر سؤال می برند که گویا در قانون ادامه کار موصوف بعد از اول جوزا در نظر گرفته نشده است و مردم را به بلوای عمومی، بغاوت، فتنه گری تا نابودی تمام زیر بنا های حکومت داری در نظر دارند به این توجه ندارند که هر نوع فتنه و بغاوت این ها و جمع پیشنهادات شورای کاندیدان مبنی بر حکومت سرپرست و حکومت مؤقت در کجای قانون اساسی و قوانین نافذ کشور در نظر گرفته شده است؟ بهانه حکومت سرپرست را برای اینکه رئیس جمهور از مدیریت انتخابات در ماه سپتمبر به نفع خویش استفاده نکند عنوان می کنند. بدون اینکه این درک را داشته باشند، اگر انتخابات در موعده معینه هم تدویر می یافت رئیس جمهور با صلاحیت های بیشتر می توانست این مدیریت را انجام دهد. واقعیت امر این است که تدویر انتخابات از وظایف کمیسیون های انتخاباتی است

و اگر آنها به این قدرت خود که امروز مردم را به بلوای عمومی علیه حکومت می شورانند تا کشور را به بحران غیر قابل محار سوق دهند باور دارند، چرا از همین قدرت شان در انتخابات برای کسب آرای مردم از طرق دیموکراتیک و مشروع و در زیر خطوط زرین قانون اساسی استفاده نمی کنند که منافع ملی را تمثیل میکند؟ از تحلیل اوضاع و آنچه تا اینجا گفته آمدیم بر می آید که این عناصر فروخته شده در زیر دیکته سازمان های استخبارات خارجی به قول خودشان برای تصاحب قدرت از راه زور گویی و به شوه ای مافیایی هستند. این نابخردان درک نمی کنند که اگر شیرازه ای این حکومت لرزان بریزد با این همه کرگسان در کمین نشسته که همه منافع شانرا غرض چور و چپاول و اهداف ستراتیژیک منطقی شانرا در ادامه بحران و جنگ جستجو میکنند هیچ کسی توانمندی کنترل اوضاع را نداشته و کشور یکبار دیگر حوادث دهه نود را به تکرار میگیرد که کفاره آنرا مردم عذابیده و بلاکشیده ما خواهد پرداخت.

جامعه انسانی در طول حیات فعالیتش به وسیله قوانین از طریق استقرار نظم و تأمین امنیت کار و فعالیت کرده است هیچگاهی در طول تاریخ بلوای عمومی، بحران ها و تشدید بحران باعث استقرار نظم در یک جامعه نگشته است خصوصاً جامعه آسیب پذیر ما که به سختی در برابر این همه دسایس داخلی و خارجی نفس میکشد.

نباید مردم را فریب داد. این تاجران دین، دزدان که از دوران جهاد تا کنون از خون ملت صاحب دارایی های میلیونی شدند خود را مشروع و قانونی به حساب می آورند. کدام یکی از این اوباشان قاچاقبران مافیایی حاضر هستند دارایی های شان را برای مردم افغانستان حساب دهند تا مردم به فکر مشرعبت شان باشد.

این نا بکاران به یاد داشته باشند که تاریخ کشور نام این خود فروختگان را در صفحات سیاه خویش به حیث لکه ننگ ثبت میکند و این ها هم به حکم وجدان و هم به حکم اجتماع طرد مردم اند.

شورای نامزدان بر علاوه دزد مشهور عطا محمد با این عمل وقیحانه ضد ملی شان وثیقه ضد ملی شانرا ثبت اوراق تاریخ کردند که مردم هرگز آنها را نخواهد بخشید و محکمه عدالت مردمی دیر یا زود گلوی این خائنین را خواهد فشرد.

مردم شرافتمند و مستضعف افغانستان بیدار شوید و دیگر فریب این دسیسه بازان حرفویی را نخورید که در تبنای استادان خارجی شان چهل سال است کشور و مردم ما را از یک بحران به بحران دیگر سوق میدهند و در هر مقطع این نابکاران خائنین ملی ظهور مجدد دارند.

بیدار شوید و درک کنید که تنها تطبیق استحکام حکومت و ارگان های ثلاثه دولت است که متضمن تطبیق و استحکام قانون و نظم را در کشور دارد. تنها از راه تطبیق قوانین مردم به رفاه می رسند. هیچ راه دیگری متضمن قانونیت و تطبیق قانون نیست. برعکس فتنه ها، آشوب ها و بغاوت ها که دشمنان قسم خورده مردم ما در عقب آن قرار دارند در راستای منافع بیگانگان برای ادامه قتل و خونریزی بیشتر اوضاع کشور ما را بیشتر بحرانی کرده و در آب گل آلود برای شان ماهی سید می کنند.

بسیاری از تحلیل گران امید به اجلاس افغان ها در آلمان دوخته اند که گفته می شود در دیدارهای اخیر خلیل زاد با مقامات اتحادیه اروپا در نظر گرفته شده است که هنوز ترکیب و نحوه تدویر آن مشخص نیست.

من به آنچه خلیل زاد مبتکر تدویر آن باشد باور ندارم زیرا او از همان آغاز کارش با مجاهدین در زمان ریگن تا اکنون هیچ گاهی برای اسقرار صلح و ثبات در کشور ما قدم برداشته است و از او منحصیث مجری دساتیر CIA در

امور افغانستان چنین انتظاری دور از درایت سیاسی است اما ابتکارات اتحادیه اروپا منجمله کشور آلمان که برای ثبات نسبی جهان غرض تبادل تجارت و بهبود امور اقتصاد علاقه دارد میتواند قابل تأمل باشد.

حکومت بنا بر دلایل مختلف که از این بحث خارج است نواقص و نارسایی هایی دارد. یکی از نارسایی ها عدم اطلاع دهی به موقع از زد و بند های پشت پرده در قبال افغانستان می باشد که اعتبار حکومت را خدشه دار می سازد. شاید حکومت در این عرصه مجبوریت هایی داشته باشد ولی مردم حق دارند چه معامله بر سر سرنوشت شان در حالت تکوین است. این عدم آگاهی مردم نیز تبر مخالفین را دسته میکند. اما حکومت - حکومت است، بر همه مردم است تا در کنار حکومت خویش قرار داشته و از این دزدان قطاع الطریق فاصله بگیرند. بیداری ملت شرط اساسی تحقق آرمان های مردم است نباید دزدان برای ما دیکته کنند که چه کنیم یا چه نکنیم. کی به این مافیا ها و دزدان معلوم الحال وثیقه نمایندگی مردم را داده است که مردم را به بلوای عمومی دعوت می کنند؟

** * **

تذکر: هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف

سخنی در باب فتنه یا بغاوت
mirzada_q_۱۲۱_sokhane_darbaab_fetna.pdf

